



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۸ ش ۷ (پیاپی ۴۲)، ویژهنامه زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۶۵-۲۸۹

چندمعنایی پسوند «ی» فارسی: کندوکاوی در چهارچوب ساختواژه ساختی

پارسا بامشادی^{۱*}، فریبا قطره^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

پذیرش: ۹۶/۱/۱۵

دریافت: ۹۵/۸/۸

چکیده

هدف از پژوهش پیش‌رو آن است که یکی از پر بسامدترین پسوندهای اشتقاقی زبان فارسی، یعنی «ی» واکاوی و سویه‌های گوناگون ساختاری و معنایی/کارکردی آن بررسی شود. این پژوهش رویکردی ساخت‌بنیاد دارد و در چهارچوب نظری ساختواژه ساختی است که می‌کوشد به روش توصیفی-تحلیلی الگوهای واژه‌سازی را بر پایه مفهوم «ساخت» و «طرح‌واره‌های ساختی» تبیین نماید و روابط پایگانی و شبکه‌ای میان طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌ها را به گونه‌ای سامانمند نشان دهد. داده‌های این پژوهش برگرفته از پیکره ساختواژه خود نگارندگان است که بیش از ۸۰۰۰ واژه مشتق و مرکب فارسی را در برمی‌گیرد. در کنار آن، از کتاب فرهنگ بزرگ سخن انوری (۱۳۸۱) نیز استفاده شده است. یافته‌های پژوهش گویای آن است که پسوند «ی» دارای ۳۸ معنا/کارکرد گوناگون است؛ بنابراین این پسوند قابلیت چندمعنایی بسیار بالایی دارد و همواره معنا/کارکردهای تازه‌ای را نیز می‌پذیرد. چندمعنایی که در اینجا با آن روبه‌رو هستیم، نه در سطح واژه‌های عینی، بلکه در سطح طرح‌واره‌های انتزاعی قابل تبیین است و از این رو آن را چندمعنایی ساختی می‌نامند. به سخن دیگر، نظریه ساختواژه ساختی ما را به برداشت و مفهوم تازه‌ای از چندمعنایی می‌رساند که همانا چندمعنایی پایگانی (سلسله‌مراتبی) و چندمرحله‌ای در سطح ساخت‌های انتزاعی زبان است.

واژگان کلیدی: پسوند «ی»، وندافزایی، ساختواژه ساختی، چندمعنایی ساختی، رویکرد ساخت‌بنیاد.

۱. مقدمه

اشتقاق در کنار تصریف دو فرایند عمده ساختواژی به‌شمار می‌آیند که اولی به پیدایش قاموس‌واژه‌های^۱ نو و دومی به صورت‌واژه‌های^۲ گوناگون یک قاموس‌واژه می‌انجامد. دو فرایند عمده قاموس‌واژه‌سازی، که در بیشتر زبان‌های جهان یافت می‌شود، عبارت‌اند از ترکیب و وندافزایی. ترکیب شامل آمیزش دو یا چند قاموس‌واژه با یکدیگر است؛ در حالی که در وندافزایی، یک وند (تکواژ وابسته) به قاموس‌واژه‌های افزوده می‌شود و قاموس‌واژه‌های نو می‌سازد. در زبان فارسی نیز وندافزایی و ترکیب دو فرایند پویا و پرکاربرد در واژه‌سازی‌اند و این زبان توانمندی‌ها و امکانات بسیاری در بهره‌گیری از آن دو دارد. در قلمرو وندافزایی، فارسی دارای پیشوندها و پسوندهای پرشماری است که با افزوده شدن به واژه‌های موجود در زبان، می‌توانند واژه‌های نو بسازند. پسوند «ی» اشتقاقی از پرکاربردترین وندهای زبان فارسی است که زبانی بسیار بالایی دارد و نقش چشمگیری در واژه‌سازی زبان فارسی ایفا می‌کند. در پژوهش پیش‌رو - که به روش توصیفی- تحلیلی انجام می‌شود- این پسوند و سویه‌های گوناگون معنایی و ساختاری آن با رویکرد ساخت‌بنیاد و در چهارچوب نظریه ساختواژه^۳ بررسی می‌شود.

این مقاله شش بخش دارد: پس از طرح مقدمه در بخش نخست، در بخش دوم پیشینه پژوهش مرور شده و در بخش سوم پایگاه نظری پژوهش معرفی شده است؛ بخش چهارم به بحث درباره تبیین چندمعنایی در چهارچوب ساختواژه ساختی اختصاص دارد؛ در بخش پنجم، پسوند «ی» و معنا/ کارکردهای گوناگون آن در چهارچوب نظریه ساختواژه ساختی واکاوی می‌شود و بخش ششم نیز به نتیجه‌گیری و بیان یافته‌های پژوهش اختصاص دارد.

۲. پیشینه پژوهش

نظریه ساختواژه ساختی تاکنون چندان مورد توجه پژوهشگران حوزه زبان فارسی قرار نگرفته و پژوهش‌های اندکی در این راستا صورت گرفته است که بر آن‌ها نگاهی گذرا می‌افکنیم. بامشادی و انصاریان (۱۳۹۴) به تبیین ساختارهای ساختواژی ناپایگانی زبان فارسی در چهارچوب این نظریه پرداخته‌اند. این پژوهشگران با بررسی انواع گوناگون واژه‌های ناپایگانی در زبان فارسی و استخراج طرح‌واره‌های ساختی هر یک از آن‌ها توانسته‌اند ارتباط شبکه‌ای و

پایگانی میان طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های ساختی (که به پیدایش واژه‌های ناپایگانی انجامیده است) را نشان‌دهند و ترسیم نمایند.

عظیم‌دخت و رفیعی (۱۳۹۵) ساخت [X- یاب] در زبان فارسی از دیدگاه ساختواژه ساختی را مطالعه کرده، بر این باورند که این ساخت اساساً صفت‌ساز بوده و کاربرد محصولات آن در مقوله اسم نتیجه فرایند تبدیل است. این پژوهشگران معنای پیش‌نمونه طرح‌واره ساختی [X- یاب] را «ویژگی متمایزکننده مرتبط با مفهوم X» دانسته‌اند که معناهای عامل‌محور و مفعول‌محور دیگری از آن نشئت می‌گیرد.

بامشادی و انصاریان (۱۳۹۵) در پژوهشی دیگر، بنیادها و سازوکارهای نظری رویکرد ساخت‌بنیاد به آموزش واژه‌های مشتق و مرکب زبان فارسی را معرفی و بررسی کرده و به واکاوی دستاوردها و سودمندی‌های اتخاذ این رویکرد در آموزش این واژه‌ها برای فارسی‌آموزان پرداخته‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که به‌کارگیری نظریه ساختواژه ساختی در آموزش واژه‌های مشتق و مرکب فارسی می‌تواند موجب آسان‌سازی، شتاب‌بخشی و افزایش کارایی شود.

از کارهایی که در زمینه چندمعنایی وندها در چهارچوب ساختواژه ساختی صورت گرفته است، می‌توان پژوهش آرکودیا (۲۰۱۴) را نام برد که در آن، چندمعنایی دو وند اشتقاقی در زبان‌های ایوه (Ewe) و گویش چینی ماندارین بررسی شده است. وی دریافته است که رویکرد ساخت‌بنیاد به چندمعنایی وندها- که آن را حاصل تعمیم و انتزاع معنای وند می‌داند و روابط چندمعنایی را در قالب ساختار پایگانی از طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌ها نشان می‌دهد- به‌خوبی توانایی تبیین آن از دیدگاه هم‌زمانی را دارد. در این ساختار پایگانی، پیشینه و روند درزمانی وندها (که معمولاً با دستوری‌شدگی همراه است) بازنمایی نمی‌شود و البته نیازی هم به این کار نیست؛ زیرا زبانوران معمولاً هیچ دانشی درباره پیشینه صورت‌های زبانی ندارند.

بایسته است که نگاهی نیز به مطالعاتی دربارهٔ پسوند «-ی» فارسی بیفکنیم و یافته‌های پژوهشگران این حوزه را از نظر بگذرانیم. مرادی و کریمی‌دوستان (۱۳۸۷) نقش معنایی پسوند «-ی» در چهارچوب نظریه نمود معنایی- واژی لیبر را بررسی کرده‌اند. این پژوهشگران نتیجه گرفتند که این پسوند در واقع دو پسوند هم‌آواست: یکی نقش اسم‌سازی دارد که اسکلت معنایی [-ماده، پویا (]] <پایه>]] را به پایه خود می‌افزاید و دیگری دارای نقش صفت‌سازی است که اسکلت معنایی [-ماده، (]] <پایه>]] را به پایه خود اضافه می‌کند. آن‌ها دیگر نقش‌های معنایی پسوند «-

«ی» را نتیجه گسترش معنایی دانسته‌اند و نیز نیاز سخنگویان به کاربردهایی که وند دیگری به جز «ی» برای برآوردن آن در زبان یافت نمی‌شود.

توکلی و صاحبی (۱۳۸۹) با پژوهشی در زمانی، به بررسی پیشینه و کاربردهای پسوند «ی» در زبان‌های ایران باستان، ایران میانه غربی و نیز فارسی نو پرداخته‌اند. آن دو نزدیک به ۳۰ کاربرد گوناگون برای پسوند «ی» برشمرده‌اند و ساختارهای دارای این پسوند در فارسی نو را در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرده‌اند: ساختارهای اسمی، ساختارهای صفتی و ساختارهای قیدی. آنان همچنین دریافته‌اند که کاربرد و زایایی پسوند «ی» در گذر زمان، به گونه چشمگیری افزایش یافته، امروزه جای برخی از پسوندهای دیگر (مانند -فام، -گون، -وش، -وار و -انه) را گرفته و آن‌ها را به حاشیه رانده است.

کلباسی (۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۱۶) پسوند «ی» را بر دو گونه اسم‌ساز و صفت‌ساز دانسته است. وی فهرستی از معنای گوناگون این پسوند ارائه داده است که ۱۱ معنای مجزا را دربرمی‌گیرد. نفری (۱۳۹۴) نیز ۳۴ مورد از کاربردهای پسوند «ی» را به همراه پایه‌های پذیرنده آن و واژه حاصل از پسوندافزایی برشمرده و آن‌ها را در سه دسته اسم، صفت و قید آورده است.

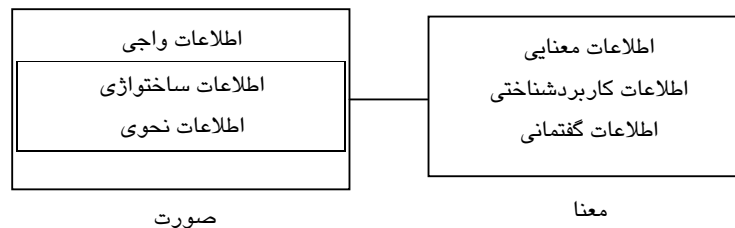
صادقی (۱۳۷۰، ۱۳۷۱الف، ۱۳۷۱ب، ۱۳۷۲الف، ۱۳۷۲ب، ۱۳۷۲ج) در مقاله‌هایی که سلسله‌وار و با عنوان «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر» چاپ کرده، برخی از کاربردهای پسوند «ی» فارسی را تحلیل کرده است. ابن‌الرسول و رحیمی (۱۳۹۳) نیز پسوند «ی» را در ده نوع معرفی کرده‌اند: نکره، وحدت، نسبت، مصدرساز، ضمیر، تأکید قید، تعجب، زمینه‌ساز وصف، اشباع کسره و یاهای عربی در فارسی. در این پژوهش، «ی» به عنوان پسوندی اشتقاقی بررسی نشده است.

۳. ساختار واژه ساختی

«ساخت‌بنیاد» رویکردی است که دانش زبانی سخنگویان را دانش «ساخت»‌های زبان به‌شمار می‌آورد و واحد مطالعه زبان را ساخت می‌داند. نزدیک به سه دهه از پیدایش رویکرد ساخت-بنیاد به زبان می‌گذرد و چندین نسخه و گونه متفاوت از دستورهای ساخت ارائه گردیده است؛ از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به دستور ساخت برکلی^۵ (فیلمور، ۱۹۸۸؛ فیلمور و کی، ۱۹۹۳)،

دستور ساخت شناختی^۱ (گلدبرگ، ۱۹۹۵) و دستور ساخت بنیادی^۲ (کرافت، ۲۰۰۱) اشاره کرد. با این وجود، تاکنون دامنه پژوهش‌ها در رویکرد ساخت‌بنیاد بیشتر به نحو و معناشناسی و پیوند میان این دو محدود بوده است. به سخن دیگر، گرچه رویکرد ساخت‌بنیاد تفاوتی میان تکواژها و واژه‌ها از یک سو، و گروه‌ها و بندها از سوی دیگر قائل نیست و همگی آن‌ها را جفت‌های صورت-معنا با میزان پیچیدگی متفاوت می‌داند، اما تاکنون بیشترین توجه خود را معطوف ساخت‌های سطح گروه و بند کرده و چندان به تکواژها و واژه‌ها نپرداخته است. به-تازگی، بوی (۲۰۱۰) با انتشار کتاب «ساختواژه ساختی»^۳ رویکرد ساخت‌بنیاد را به حوزه ساختواژه کشانده و دامنه پوشش این رویکرد را گسترش بخشیده است. ساختواژه ساختی آشکارا بنیادها و مفهومی‌های کلیدی دستور ساخت را از قلمرو نحو وارد حوزه ساختواژه می-کند و آن را در واکاوی و تبیین ساختارهای ساختواژی به‌کار می‌گیرد.

در رویکرد ساخت‌بنیاد به زبان، هم الگوهای واژه‌سازی و هم الگوهای نحوی «ساخت» به-شمار می‌آیند. ساخت عبارت است از یک جفت صورت و معنا/کارکرد که یادآور همان مفهوم «نشانه» در دیدگاه سوسوری است؛ البته با این تفاوت که سوسور مفهوم نشانه را تنها برای واژه‌ها به‌کار می‌برد، اما رویکرد ساخت‌بنیاد همه واحدهای واژگانی و نحوی زبان با درجات پیچیدگی گوناگون را ساخت می‌داند. از این رو، ساخت دارای دو بخش/قطب است: بخش/قطب معنایی و بخش/قطب صوری. بخش صوری ساخت‌ها هم ویژگی‌های ساختواژی-نحوی^۴ آن‌ها را دربرمی‌گیرد و هم ویژگی‌های واجی را. بخش معنایی ساخت‌ها نیز دارای چند ویژگی است؛ یعنی هم ویژگی‌های معنایی ساخت را در خود دارد، هم ویژگی‌های کاربردشناختی و هم ویژگی‌های گفتمانی آن را. همه این اطلاعات را می‌توان در نموداری به شکل زیر نشان داد:



شکل ۱. ساخت و دو بخش معنایی و صوری آن (بوی، ۲۰۱۰)

Figure 1. Constructions as pairings of FORM and MEANING

ساختواژه ساختی الگوهای واژه‌سازی را طرح‌واره‌هایی انتزاعی به صورت جفت‌هایی از معنا و صورت می‌داند که واژه‌های منفرد زبان بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد. ساختواژه ساختی با دستور ساخت در این اندیشه همسوست که ساخت‌ها واحدهای توصیف و تحلیل زبان طبیعی هستند. ساخت‌های ساختواژی^{۱۱} جفت‌های سامانندی از صورت و معنا در سطح واژه‌اند؛ برای نمونه، اگر یک سخنگوی انگلیسی‌زبان به تعداد لازم از واژه‌هایی مانند baker و writer را فراگیرد، آنگاه الگوی واژه‌سازی [V-er]_N در زبان انگلیسی را فرامی‌گیرد که دربردارنده معنای «انجام‌دهنده/ ابزار انجام V» است. معنای پسوند «-er» تنها از طریق ساخت ساختواژی دربرگیرنده این پسوند قابل دسترسی است. اگر میان صورت و معنای یک واژه رابطه و همبستگی سامانندی باشد، می‌توان گفت که آن واژه دارای ساختار درونی است، مانند جفت واژه‌های زیر:

- a. dancer, fighter, singer, walker
b. dance, fight, sing, walk

واژه‌های گروه (a) از افزودن پسوند «-er» به پایه‌های فعلی sing, fight, dance و walk ساخته شده‌اند و الگوی معنایی ویژه‌ای دارند که عبارت است از «کسی که V را انجام می‌دهد» و V بیانگر معنای فعل است. این الگوی معنایی را از تفاوت صوری میان واژه‌های (a) و (b) می‌توان دریافت، زیرا تفاوت صوری میان این دو دسته از واژه‌ها در پسوند «-er» و تفاوت معنایی میان آن‌ها در مؤلفه «کنشگر» است. از این رو، واژه‌های دسته (b) را واژه‌های پیچیده‌ای در نظر می‌گیریم که دارای ساختار درونی [V-er]_N هستند. از سوی دیگر، نمی‌توان این ساختار درونی را به واژه‌هایی مانند brother و father نسبت داد؛ زیرا این اسم‌ها را نمی‌توان مشتق‌شده از فعل‌های to broth و to fath دانست. به سخن دیگر، برای شناسایی ساختار درونی واژه‌ها باید میان دو گروه از آن‌ها مقایسه سامانمند انجام دهیم (بوی، ۲۰۱۵). همبستگی صورت-معنا در واژه‌های (a) را می‌توان در قالب یک طرح‌واره ساختی^{۱۱} نشان داد. طرح‌واره ساختی ابزاری برای بازنمایی ساخت‌های ساختواژی به صورت طرح‌واره‌ای است (بوی، ۲۰۱۲، ۲۰۱۵):

- a. <[[x]_{v_i} er]_{N_j} ↔ [Agent of SEM_i]_j>

نمونه دیگری از ساختار درونی را می‌توان در واژه‌های زیر دید:

الف. بی‌هنر، بی‌حوصله، بی‌جنبه، بی‌ادب، بی‌سواد.

همهٔ این واژه‌ها صفت‌هایی هستند که با اسم‌های «هنر، حوصله، جنبه، ادب و سواد» رابطهٔ سامانمند در صورت و معنا دارند. از این رو، ساختار درونی آن‌ها را می‌توان به صورت [بی-اسم]صفت نشان داد. بازنمایی این صفت‌ها با طرح‌وارهٔ ساختی زیر انجام می‌شود:

b. <[bi- [x]_{Ni}]_{Aj} ↔ [Property of being without SEMi]j>

در این طرح‌واره، پیکان دوسر نشان‌دهندهٔ همبستگی دوسویهٔ صورت و معناست. هم‌نمایه-سازی برای نمایش رابطهٔ سامانمند میان صورت و معنا به‌کار می‌رود؛ SEM_i اشاره به معنای اسم N_i دارد و نمایهٔ زیانگر آن است که معنای کلیت ساخت با صورت کلی آن دارای پیوند است. متغیر X نیز نشان‌دهندهٔ یک شکاف تهی^{۱۲} است که می‌تواند با عناصری از مقولهٔ اسم پر شود. هنگامی که این شکاف برای نمونه با اسم «انگیزه» پر شود، واژهٔ «بی‌انگیزه» به‌دست می‌آید و می‌گوییم این واژه یک نمون‌یافتگی^{۱۳} از طرح‌وارهٔ موردنظر است. این نمون‌یافتگی‌های عینی و بالفعل را «برساخت»^{۱۴} نیز می‌نامند. باور بر این است که دانش زبانی سخنگویان هم ساخت‌ها (طرح‌واره‌ها) را دربرمی‌گیرد و هم برساخت‌ها (موارد ویژه و عینی) را. زبانوران نخست موارد ویژه‌ای را فرامی‌گیرند که در کاربردهای روزمرهٔ زبان با آن روبه‌رو می‌شوند و سپس بر پایهٔ آن‌ها طرح‌واره‌سازی می‌کنند؛ طرح‌واره‌ها درواقع نیروی زایندهٔ دستور زبان هستند (بوی، ۲۰۱۳). طرح‌واره‌های ساختواژی دو نقش عمده در زبان بازی می‌کنند: یکی آنکه شیوهٔ ایجاد و پیدایش قاموس‌واژه‌ها یا صورت‌واژه‌های نو را تعیین می‌کنند و دوم، موجب انگیختگی^{۱۵} در واژگان زبان می‌شوند. انگیختگی یعنی کاهش میزان دلخواهی بودن میان صورت و معنا (بوی، ۲۰۱۵). برای نمونه، در واژه‌ای مانند «زور»، پیوند میان صورت و معنا کاملاً دلخواهی و ناانگیخته است؛ اما واژهٔ «زورمند» انگیختگی زیادی دارد، زیرا معنای آن وابسته به معنای پایهٔ اسمی «زور» و معنای طرح‌وارهٔ ساختی آن است. طرح‌واره‌های ساختواژی می‌توانند دارای درجات گوناگونی از زیایی باشند. برای نمونه، طرح‌وارهٔ $[[x]_N - m\text{ænd}]_A$ زیای به‌نظر می‌رسد؛ زیرا با افزودن پسوند «-مند» به اسم‌ها به‌سادگی می‌توان صفت‌های نو ساخت، مانند دردمند، سامانمند، هنرمند، هدفمند، خردمند، قالب‌مند، عزتمند و مانند آن؛ در حالی که طرح‌وارهٔ $[[x]_N - v\text{æ}r]_A$ زیایی کمتری دارد و واژه‌های اندکی بر پایهٔ آن شکل گرفته است، مانند گویشور، هنرور، دانشور، نامور، سخنور و مانند آن.

یکی از اصول کلیدی در ساختواژه ساختی ساختارمندی واژگان زبان است که از وجود طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌ها^{۱۱} ناشی می‌شود. زیرطرح‌واره‌ها نمونه‌هایی از طرح‌واره‌ها هستند که معنایی مشخص‌تر از آن‌ها دارند. برای نمونه فرایند ترکیب را در نظر بگیرید که یکی از زیاترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان انگلیسی است. طرح‌واره کلی این فرایند را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$[X_i Y_j]_{YK} \leftrightarrow [SEM_{Y_j} \text{ with relation } R \text{ to } SEM_{X_i}]_K$$

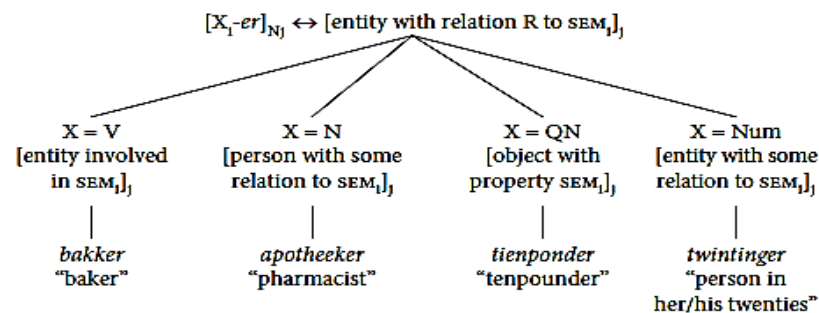
در این بازنمایی، Y هسته ترکیب است. این طرح‌واره می‌تواند دارای زیرطرح‌واره‌های گوناگونی برای ترکیب‌های NN (همچون windmill)، NV (همچون head-hunt)، AN (همچون highlight) و مانند آن باشد که برخی از آن‌ها زیاتر از بقیه هستند (بوی، ۲۰۱۳). در رویکرد ساختواژه ساختی باور بر این است که کودکان نخست واژه‌های منفرد را فرا می‌گیرند و پس از آنکه شمار کافی از واژه‌هایی با الگوی یکسان را فراگرفتند، می‌توانند الگوهای ساختواژی را از آن‌ها انتزاع کنند. این الگوی انتزاعی در کنار واژه‌های عینی نماینده آن ذخیره و برای آفرینش واژه‌های پیچیده جدید به کار گرفته می‌شود. از این رو، در این دیدگاه وجود قواعد ساختواژی پذیرفتنی نیست؛ زیرا اگر قاعده‌ها در ذهن سخنگویان ذخیره شوند، دیگر نیازی به ذخیره‌سازی واژه‌های منفرد- که از آن قاعده‌ها ساخته می‌شود- نخواهد بود. ساختواژه ساختی الگوهای واژه‌سازی را طرح‌واره‌هایی انتزاعی به صورت جفت‌هایی از معنا و صورت می‌داند که واژه‌های منفرد زبان بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد. هر واژه پیچیده نمونه‌یافته یک طرح‌واره واژه‌سازی است که خود آن طرح‌واره می‌تواند وابسته به طرح‌واره کلی‌تری باشد؛ مانند «میوه‌فروش» که به صورت پایگانی از زیرطرح‌واره‌هایی حاصل می‌شود که سرانجام به طرح‌واره کلی ترکیب در زبان فارسی ختم می‌گردد:

$$\begin{array}{c} [[a]_X [b]_Y]_Z \\ | \\ [[a]_X [b]_V]_Z \\ | \\ [[a]_N [b]_V]_N \\ | \\ [[a]_N [فروش]_V]_N \\ | \\ [[a]_N [فروش]_V]_N \end{array}$$

در بالاترین سطح، دو عنصر a و b که به ترتیب از مقوله X و Y هستند، با هم ترکیب شده، واژه‌ای از مقوله Z به دست می‌آید. در سطح پایین‌تر، مقوله عنصر b مشخص می‌شود که فعل (V) است. باز در سطح پایین‌تر، مقوله عنصر a نیز مشخص می‌شود که اسم (N) است. در دو سطح پایینی، خود عناصر b و a به ترتیب مشخص می‌گردند و به جای آن‌ها «فروش» و «میوه» قرار می‌گیرد. به این ترتیب، هر چه از بالای نمودار به سمت پایین بیاییم، از میزان طرح-واره‌بودگی کاسته و بر میزان مشخص‌بودگی افزوده می‌شود.

۴. بررسی چندمعنایی در رویکرد ساختواژه ساختی

رویکرد ساخت‌بنیاد به واژه‌سازی (که دیدگاه واژگان پایگانی^{۱۷} با سطوح گوناگونی از تعمیم را سرلوحه خود قرار می‌دهد) ما را قادر می‌سازد الگوهای چندمعنایی واژه‌های پیچیده را به خوبی تبیین کنیم. اگر ما به وجود ساختار پایگانی برای واژگان نهنی قائل باشیم، آنگاه می‌توانیم برای تفسیرها یا معناهای متفاوت یک ساخت زیرطرح‌واره‌های متفاوت در نظر بگیریم. این زیرطرح-واره‌ها هم الگوهای ساختواژی کنونی زبان را نشان می‌دهند و هم چگونگی ایجاد واژه‌های جدید بر پایه این الگوهای ساختواژی را (بوی، ۲۰۰۷). این زیرطرح‌واره‌ها می‌توانند درجات گوناگونی از زیایی داشته باشند و سرچشمه ساختواژه‌های نو در زبان قرار گیرند. بوی (۲۰۱۰: ۸۴) چندمعنایی پسوند «-er» در زبان هلندی را بررسی کرده و طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های تعمیم‌یافته از اسم‌های مشتق دارای این پسوند را نشان داده است:



شکل ۲. چندمعنایی پسوند «-er» در زبان هلندی (نک: آرکودیا، ۲۰۱۴: ۱۳۲، به نقل از بوی)

Figure 2. Polysemy of the suffix '-er' in Dutch

از نمودار بالا می‌توان دریافت که چندمعنایی در واژگان ذهنی یا در ساختگان ذهنی زبانونران، به صورت معنایی فراگیر نهادینه می‌شود که همه معنای ویژه (زیرطرح‌واره‌ها) را دربر گرفته است.

۵. چندمعنایی پسوند «-ی» فارسی

داده‌های مورد بررسی در این پژوهش، برگرفته از پیکره ساختواژه نگارندگان است که بیش از ۸۰۰۰ واژه مشتق و مرکب فارسی را دربرمی‌گیرد. البته در کنار این پیکره از فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱) نیز استفاده شده است. با بررسی داده‌ها مشخص می‌شود که کارکردها و معنای گوناگون پسوند «-ی» فارسی را می‌توان در ۳۸ دسته جای داد. با توجه به فراوانی این داده‌ها، در اینجا به بررسی اجمالی هر یک از آنها پرداخته، پس از برشماری چند نمونه، طرح‌واره ساختی هر یک را شناسایی می‌نماییم. سپس پیوند میان این طرح‌واره‌ها را در قالب ساختاری شبکه‌ای و سلسله‌مراتبی نشان می‌دهیم.

۱- ابزار / طریقه انجام کنش / فرایند: دستی، کامپیوتری، مدادی، پستی، تلفنی، هوایی، زمینی، دریایی؛ مانند دوخت دستی، تماس تلفنی، مسافرت دریایی و ارسال پستی.

$[[X]_N - i]_A \rightarrow \leftarrow$ [انجام‌شده/انجام‌شونده از طریق/ با X]

۲- ابزار راه‌اندازی و کار: بنزینی، نفتی، گازوئیلی، برقی، زغالی؛ مانند خودروی بنزینی، ماشین گازوئیلی و بخاری برقی.

$[[X]_N - i]_A \rightarrow \leftarrow$ [ویژگی چیزی که با X کار می‌کند/ راه‌اندازی می‌شود]

۳- تعلق به جایی داشتن: تهرانی، ایرانی، شمالی، آسیایی، روستایی، شهری؛ مانند مرد روستایی و پلنگ آسیایی.

$[[X]_N - i]_A \rightarrow \leftarrow$ [ویژگی کسی/ چیزی که اهل/ متعلق به X است]

۴- حساسیت: گرمایی، سرمایی، قفلکی؛ مانند آدم قفلکی.

$[[X]_N - i]_A \rightarrow \leftarrow$ [ویژگی کسی/ چیزی که حساس به X است]

۵- مناسبت و اختصاص: تابستانی، زمستانی، مدرسه‌ای، مجلسی، ورزشی؛ مانند لباس تابستانی، کیف مدرسه‌ای، لباس مجلسی و کفش ورزشی.

$[[X]_N - i]_A \rightarrow \leftarrow$ [ویژگی چیزی که مناسب/ ویژه X است]

- ۶- منشأ و سرچشمه: گیاهی، حیوانی، استخری، معدنی؛ مانند روغن گیاهی، ماهی استخری و ماده معدنی.

$$A \rightarrow [X]_N - i \leftarrow$$
 [ویژگی چیزی که برگرفته/به‌دست آمده از X است]
- ۷- آغشتگی و آلودگی: خاکی، روغنی، گلی، نفتی، سمّی؛ مانند لباس گلی، غذای سمّی و دست‌های روغنی.

$$A \rightarrow [X]_N - i \leftarrow$$
 [ویژگی کسی/چیزی که آغشته/آلوده به X است]
- ۸- ویژگی و کیفیت: زیبایی، نیکی، پاکی، سادگی، کنجکاو، خوبی و زشتی.

$$N \rightarrow [X]_A - i \leftarrow$$
 [نام ویژگی/حالت/کیفیت X (بودن)]
- ۹- جنس و ماده سازنده: چوبی، آهنی، پلاستیکی، آجری، سنگی، سفالی، برفی، چرمی؛ مانند کوزه سفالی، کیف چرمی و آدم‌برفی.

$$A \rightarrow [X]_N - i \leftarrow$$
 [ساخته‌شده از/از جنس X]
- ۱۰- مکان تولید/ساخت/انجام: رادیویی، تلویزیونی، کارخانه‌ای، خانگی، زیرزمینی، اداری؛ مانند ترشی خانگی، مشاغل خانگی، کار اداری و موسیقی زیرزمینی.

$$A \rightarrow [X]_N - i \leftarrow$$
 [ویژگی چیزی که در X تولید/ساخته/انجام می‌شود]
- ۱۱- نام خوردنی: ترشی، شیرینی، سبزی.

$$N \rightarrow [X]_A - i \leftarrow$$
 [خوردنی دارای مزه/رنگ X]
- ۱۲- نام پیشه و تخصص: رانندگی، پزشکی، فروشندگی، کارگری، عکاسی، رانندگی، نویسندگی، زبان‌شناسی، زیست‌شناسی، روان‌شناسی.

$$N \rightarrow [X]_N - i \leftarrow$$
 [نام پیشه/تخصص X]
- ۱۳- نام ابزار: زیراستکانی، پادری، روتختی، زبردستی، روسری.

$$N \rightarrow [X]_{LN} [Y]_N - i \leftarrow$$
 [چیزی که کاربرد آن در وضعیت/جایگاه X به Y است]
- ۱۴- ارزش و قیمت: پانصدی، پنجاهی، هزاری، صدی، دوهزاری؛ مانند اسکناس هزاری، سکه پنجاهی و بیسکویت دوهزاری.

$$A \rightarrow [X]_{Num} - i \leftarrow$$
 [پولی/چیزی که X واحد (تومان) ارزش/قیمت دارد]
- ۱۵- رنگ: طلایی، شرابی، لجنی، جگری، لیمویی، زرشکی، نوک‌مدادی؛ مانند پیراهن لیمویی و لیوان طلایی.

$$A \rightarrow [X]_N - i \leftarrow$$
 [ویژگی چیزی که دارای رنگی مانند رنگ X است]

- ۱۶- طرف‌داری و دل‌بستگی: پرسپولیسی، استقلاللی، فوتبالی، والیبالی؛ مانند نیما پرسپولیسی / استقلاللی است.
- $[[X]_N - i]_A \rightarrow$ [ویژگی کسی که طرف‌دار (دارای دل‌بستگی و وابستگی شدید به) X است]
- ۱۷- همانندی و شباهت: پوشالی، شطرنجی، بادامی، پلنگی، کمانی، کتابی، گنبدی؛ مانند چشم‌بادامی، لباس پلنگی، ابروی کمانی و ساختمان گنبدی.
- $[[X]_N - i]_A \rightarrow$ [ویژگی چیزی/کسی که شبیه و مانند X است]
- ۱۸- صفت کنش‌پذیر: اخراجی، اشغالی، پرداختی، دریافتی، ارسالی؛ مانند کارگران اخراجی، فایل‌های ارسالی و پیام‌های دریافتی.
- $[[X]_N - i]_A \rightarrow$ [X شده/شونده]
- ۱۹- اسم/صفت کنشگر: اعتصابی، شورشی؛ مانند شورشی‌ها را دستگیر کردند، زندانیان اعتصابی را کتک زدند.
- $[[X]_N - i]_{A/N} \rightarrow$ [X کننده]
- ۲۰- وابستگی شغلی/کاری: ارتشی، دانشگاهی، بازاری، سپاهی، شرکت نفتی، بانکی؛ مانند شرکت نفتی‌ها/بانکی‌ها حقوق خوبی می‌گیرند.
- $[[X]_N - i]_{A/N} \rightarrow$ [کسی که در X کار می‌کند]
- ۲۱- وابستگی و اعتیاد: سیگاری، تریاکی، الکلی، تعارفی، شیرهای؛ مانند بچه تعارفی و آدم سیگاری.
- $[[X]_N - i]_A \rightarrow$ [ویژگی کسی که به X وابستگی/اعتیاد/عادت دارد]
- ۲۲- همراهی: وانتی، عینکی، موتوری، چادری، کت‌شلواری؛ مانند مرد وانتی، پسر عینکی و دختر چادری.
- $[[X]_N - i]_A \rightarrow$ [ویژگی کسی که (همیشه/بیشتر اوقات) همراه با X نمایان می‌شود]
- ۲۳- دچار بودن و ابتلا: ایدزی، لکنتی، سرطانی، وسواسی، مالیخولیایی؛ مانند آدم ایدزی و فرد وسواسی.
- $[[X]_N - i]_A \rightarrow$ [ویژگی کسی که دارای/دچار بیماری X است]
- ۲۴- انتساب/ارتباط: خودی، خودمانی، همگانی
- $[[X]_{PTO} - i]_A \rightarrow$ [ویژگی کسی/چیزی که منسوب/مربوط به X است]
- ۲۵- سزاواری و قابلیت: خواندنی، دیدنی، شنیدنی، خوردنی، گفتنی، شکستنی، تماشایی؛ مانند داستان خواندنی، آهنگ شنیدنی و فیلم تماشایی.

$\left[[X]_{In/N} - i \right]_A \rightarrow$ [ویژگی چیزی/ کسی که سزاوار/ قابل/ شایسته X است]

۲۶- مقیاس: روزی، ساعتی، کیلویی، متری، تُنی، صفحه‌ای، دانه‌ای؛ مانند این سیب‌ها را کیلویی/ دانه‌ای می‌فروشند، دستمزد ما را روزی/ ساعتی حساب می‌کنند.

$\left[[X]_N - i \right]_{A/Adv} \rightarrow$ [در مقیاس/ به‌صورت X]

۲۷- هنگام و زمان: صبحی، ظهری، عصری، عیدی، رفتنی؛ مانند صبحی رفتم دانشگاه، عصری میرم نمایشگاه، رفتنی (هنگام رفتن) لامپ اتاقو خاموش کن.

$\left[[X]_N - i \right]_{Adv} \rightarrow$ [هنگام X]

۲۸- محل کار و خدمت: شهرداری، بخشداری، استانداری.

$\left[[X]_N - i \right]_N \rightarrow$ [محل خدمت و کار مسئول X]

۲۹- هماهنگی و مطابقت: قانونی، شرعی، اصولی، علمی، منطقی؛ مانند اقدام قانونی، کار منطقی و سخن علمی.

$\left[[X]_N - i \right]_A \rightarrow$ [مطابق/ هماهنگ با X]

۳۰- خوردنی (ماده سازنده): عدسی، نعنائی، کاکائویی، موزی؛ مانند شیرینی بادامی/ گردویی/ نارگیلی، نان شکری/ برنجی و آدامس نعنائی.

$\left[[X]_N - i \right]_{A/N} \rightarrow$ [غذا/ خوردنی که با X درست می‌شود]

۳۱- دلسوزی و تحیب: حیوانی، طفلی. همچنین در صورت کوتاه‌شده اسم خاص افراد مانند هوشی (هوشنگ)، کتی (کتایون)، فاطمی (فاطمه) و مواردی همچون مامانی، بابایی، داداشی و مانند آن نیز همین کاربرد تحیب را می‌توان از پسوند «-ی» درک کرد.

$\left[[X]_N - i \right]_N \rightarrow$ [کاربرد شناختی: بیانگر دلسوزی و تحیب]

۳۲- قرارگیری: مرکزی، میانی، وسطی، کناری، سمت‌چپی، بالایی، پایینی، اولی، آخری، دومی، جلویی، عقبی، پشتی، بندری، ساحلی، کوهپایه‌ای، دیواری، مچی؛ مانند صندلی وسطی، شهر بندری، ساعت دیواری و ساعت مچی.

$\left[[X]_N - i \right]_A \rightarrow$ [ویژگی چیزی/ کسی که در مکان/ موقعیت X قرارگرفته یا قرار می‌گیرد]

۳۳- کنندگی: تقویتی، تخریبی، شکاری؛ مانند سگ شکاری، داروی تقویتی و عملیات تخریبی.

$\left[[X]_N - i \right]_A \rightarrow$ [ویژگی چیزی/ کسی که عمل X را انجام می‌دهد/ Xکننده]

- ۳۴- راستا و جهت: عمودی، افقی، طولی، عرضی، شمالی، جنوبی، شرقی، غربی؛ مانند خط عمودی، حرکت افقی و مسیر شمالی.

$$A \rightarrow [X]_{N-i} \leftarrow \text{[در راستای/ به سوی X]}$$
- ۳۵- دارندگی: پیشوندی، پسوندی، دومفعولی، قیمتی؛ مانند فعل پیشوندی، فعل پسوندی، جملهٔ دومجهولی و اشیای قیمتی.

$$A \rightarrow [X]_{N-i} \leftarrow \text{[ویژگی چیزی که دارای X است]}$$
- ۳۶- محل عرضه/ دریافت: عوارضی، ساندویچی، کبابی.

$$N \rightarrow [X]_{N-i} \leftarrow \text{[محل عرضه/ دریافت X]}$$
- ۳۷- بیان ظرف: شیشه‌ای، جعبه‌ای، کارتنی؛ مانند شیر پاکتی، نوشابهٔ شیشه‌ای، میوهٔ جعبه‌ای.

$$A \rightarrow [X]_{N-i} \leftarrow \text{[ویژگی چیزی که ظرف آن X است]}$$
- ۳۸- ارتباط کاربردی: دستی، شستی، انگشتی، پشتی، گوشی، چشمی؛ مانند ترمز دستی، کلید شستی و گوشی تلفن.

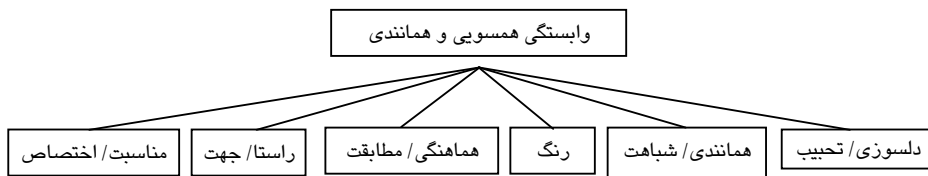
$$A/N \rightarrow [X]_{N-i} \leftarrow \text{[ویژگی چیزی که مورد استفاده و کاربرد آن در ارتباط با X است]}$$

پس از بررسی و دسته‌بندی کارکردها و معنای گوناگون پسوند «ی»، پیوند میان این معناها/ کارکردها را در قالب شبکه‌ای سامانمند و پایگانی از طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های ساختی نشان می‌دهیم و چندمعنایی آن را تبیین می‌کنیم.

طرح‌واره‌های یادشده در پایین‌ترین سطح زیرطرح‌واره‌ها قرار دارند و واژه‌های عینی و ملموس زبان نمونه‌یافتهٔ آن‌ها به‌شمار می‌آیند. به سخن دیگر، واژه‌های دارای پسوند «ی» برساخت‌هایی هستند که تجلی ساخت‌های پیش‌گفته‌اند. اکنون می‌خواهیم بدانیم که پیوند میان این زیرطرح‌واره‌ها چگونه است و آن‌ها تجلی کدام طرح‌وارهٔ سطح بالاتر هستند.

شش معنا/ کارکرد همانندی/ شباهت (مورد ۱۷)، هماهنگی/ مطابقت (مورد ۲۹)، مناسبت/ اختصاص (مورد ۵)، راستا/ جهت (مورد ۳۴)، رنگ (مورد ۱۵) و دلسوزی/ تحیب (مورد ۳۱) با یکدیگر پیوندی تنگاتنگ دارند، می‌توان آن‌ها را زیر طرح‌وارهٔ مرتبهٔ بالاتر قرار داد و آن را با برچسب «وابستگی همسویی و همانندی» نشان داد. به‌کارگیری این برچسب بدین سبب است که در همهٔ این شش معنا/ کارکرد، گونه‌ای همسویی و همانندی دیده می‌شود و پسوند «ی» بیانگر این معناست. به سخن دیگر، پسوند «ی» در این موارد گونه‌ای از وابستگی را بیان می-

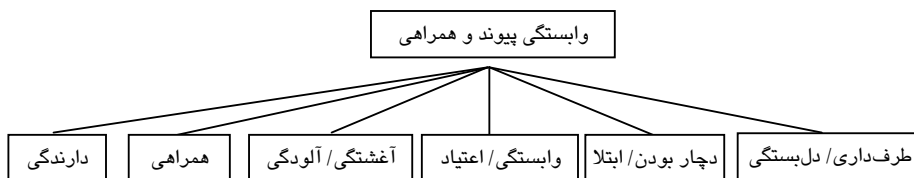
کند که مبتنی بر همسویی و همانندی است. ساختار پایگانی این طرح‌واره و شش زیرطرح‌واره آن به‌صورت زیر خواهد بود.



شکل ۳. معنای «همسویی و همانندی»

Figure3. The 'similarity and accordance' meaning

در میان معناهای یادشده، شش معنای دیگر را می‌توان یافت که با یکدیگر پیوندی نزدیک دارند و طرح‌واره‌های ساختی آن‌ها را می‌توان نمون‌یافته طرح‌واره مرتبه بالاتر دانست. این شش معنا/ کارکرد عبارت‌اند از طرف‌داری/ دل‌بستگی (مورد ۱۶)، دچار بودن، ابتلا (مورد ۲۳)، وابستگی/ اعتیاد (مورد ۲۱)، آغشتگی/ آلودگی (مورد ۷)، همراهی (مورد ۲۲) و دارندگی (مورد ۳۵). نقطه اشتراک میان این شش معنا «پیوند و همراهی» و پسوند «-ی» نیز بیانگر رابطه وابستگی از گونه پیوند و همراهی است. نمودار زیر رابطه پایگانی میان این طرح‌واره و شش زیرطرح‌واره آن را نشان می‌دهد.

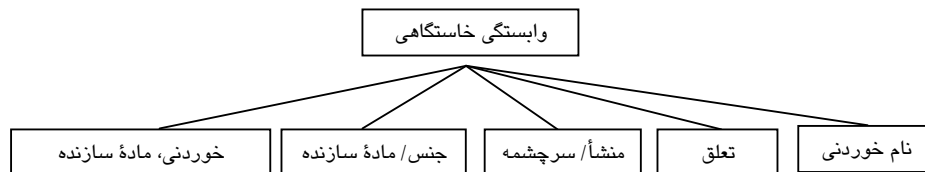


شکل ۴. معنای «پیوند و همراهی»

Figure4. The 'connection and concomitance' meaning

تعمیم دیگری که در میان معنا/ کارکردهای یادشده می‌توان یافت، قرار دادن پنج معنا/ کارکرد منشأ/ سرچشمه (مورد ۶)، جنس/ ماده سازنده (مورد ۹)، تعلق (مورد ۳)، خوردنی، ماده سازنده (مورد ۳۰) و نام خوردنی (مورد ۱۱) در زیر نام «وابستگی خاستگاهی» است؛ زیرا

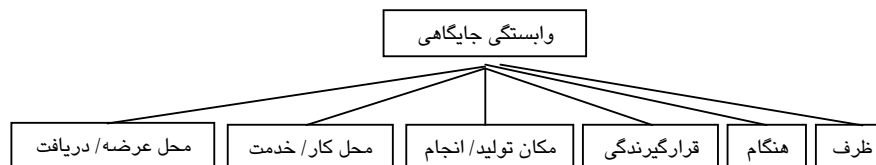
همه این پنج معنا بیانگر خاستگاه و منشأ چیزی یا کسی هستند. بر این اساس، رابطه پایگانی میان پنج طرح‌واره نام‌برده با طرح‌واره مرتبه بالاتر (که آن را «وابستگی خاستگاهی» نامیده‌ایم) به صورت زیر خواهد بود.



شکل ۵. معنای «وابستگی خاستگاهی»

Figure 5. The 'origin' meaning

در میان معنا/ کارکردهای پیش‌گفته، چهار مورد بیانگر مکان و جایگاه هستند. یک مورد بیانگر ظرف و یک مورد بیانگر زمان. اگر به پیروی از یافته‌های زبان‌شناسان شناختی بپذیریم که مفهوم زمان حاصل گسترش استعاره مفهوم مکان است، آنگاه می‌توانیم زیرطرح‌واره‌های مربوط به شش معنا/ کارکرد مکان تولید/ انجام (مورد ۱۰)، محل کار/ خدمت (مورد ۲۸)، محل عرضه/ دریافت (مورد ۳۶)، قرارگیری (مورد ۳۲)، هنگام (مورد ۲۷) و ظرف (مورد ۳۷) را نمونه یافته طرح‌واره مرتبه بالاتر بدانیم و آن را با برچسب «وابستگی جایگاهی» نشان دهیم. شکل زیر رابطه پایگانی میان این طرح‌واره‌های ساختی را نشان می‌دهد.

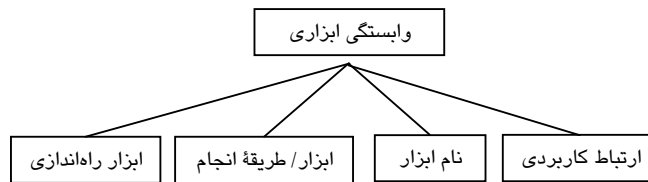


شکل ۶. معنای «وابستگی جایگاهی»

Figure 6. The 'place' meaning

پسوند «-ی» در چهار مورد از معنا/ کارکردهای خود بیانگر ابزار است. این موارد عبارت‌اند از ابزار/ طریقه انجام کنش/ فرایند (مورد ۱)، ابزار راه‌اندازی (مورد ۲)، نام ابزار

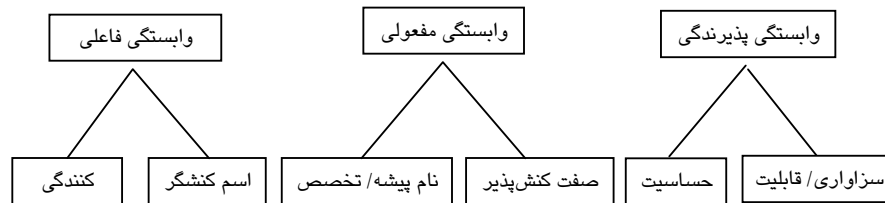
(مورد ۱۳) و ارتباط کاربردی (مورد ۳۸). این چهار زیرطرح‌واره را نمون‌یافته طرح‌واره مرتبه بالاتری می‌توان دانست که «وابستگی ابزاری» را بیان می‌کند. این رابطه پایگانی را در شکل زیر می‌توان دید.



شکل ۷. معنای «وابستگی ابزاری»

Figure 7. The 'instrument' meaning

افزون بر پنج خوشه بالا که خوشه‌های کلان در ساختار شبکه‌ای و پایگانی پسوند «-ی» به‌شمار می‌آیند، خوشه‌های کوچک‌تری را نیز می‌توان یافت. در یکی از این خوشه‌ها، دو زیرطرح‌واره اسم کنشگر (مورد ۱۹) و کنندگی (مورد ۳۳) زیر طرح‌واره مرتبه بالاتری با عنوان «وابستگی فاعلی» قرار می‌گیرند. در خوشه دیگر، دو زیرطرح‌واره صفت کنش‌پذیر (مورد ۱۸) و نام پیشه/ تخصص (مورد ۱۲) در زیر طرح‌واره مرتبه بالاتر به نام «وابستگی مفعولی» جای می‌گیرند. در واپسین خوشه نیز دو زیرطرح‌واره حساسیت (مورد ۴) و سزاواری/ قابلیت (مورد ۲۵) نمون‌یافته طرح‌واره مرتبه بالاتری با عنوان «وابستگی پذیرندگی» هستند. رابطه پایگانی این سه خوشه در نمودارهای زیر دیده می‌شود.



شکل ۸. معناهای «وابستگی فاعلی»، «وابستگی مفعولی» و «وابستگی پذیرندگی»

Figure 8. The 'agentive', 'patientive' and 'receptive' meaning

تمام این هشت خوشه یادشده زیر طرح‌واره‌ای انتزاعی‌تر و با مرتبه‌ای بالاتر قرار می‌گیرند که به آن برچسب «وابستگی و نسبت» داده‌ایم. اینجاست که مفهوم پایگانی بودن شبکه ساخت-ها را به‌خوبی می‌توان دریافت. طرح‌واره‌های مرتبه بالاتر انتزاع و کلیت بیشتر دارند؛ در حالی که طرح‌واره‌های مرتبه پایین‌تر (زیرطرح‌واره‌ها) ویژه‌تر و عینی‌ترند. پیوستار طرح‌واره‌بودگی/ مشخص‌بودگی^{۲۱} که در نظریه ساختواژه ساختی مطرح است نیز در همین جا به‌خوبی نمایان است: طرح‌واره‌ها به‌صورت پایگانی از عینی‌ترین و ویژه‌ترین حالت تا انتزاعی‌ترین و کلی‌ترین حالت زیر یکدیگر قرار گرفته‌اند و هر طرح‌واره مرتبه پایین‌تر نمونه‌یافته یک طرح‌واره مرتبه بالاتر است.

افزون بر هشت خوشه‌ای که تاکنون بررسی کردیم، پنج زیرطرح‌واره منفرد نیز می‌توان در شبکه ساخت‌های پسوند «ی» یافت که به‌طور مستقیم، به طرح‌واره «وابستگی و نسبت» پیوند می‌خورد. این زیرطرح‌واره‌ها عبارت‌اند از نام ویژگی/ کیفیت، وابستگی شغلی، انتساب/ ارتباط، مقیاس و ارزش/ قیمت. شکل ۹ ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌های پسوند «ی» را به‌طور کامل نشان می‌دهد.

همان‌گونه که از این نمودار می‌توان دریافت، پسوند «ی» زایایی بسیار بالایی دارد و در شکل‌گیری واژه‌های بسیاری از طبقه اسم، صفت و قید در زبان فارسی نقش مهمی ایفا می‌کند. البته ما در این پژوهش مقوله‌های اسم، صفت و قید را از یکدیگر تفکیک نکردیم و همه آن‌ها را در کنار هم در یک شبکه طرح‌واره‌ای نشان دادیم؛ زیرا در رویکرد ساخت‌بنیاد به زبان، مقوله دستوری یک واژه را ویژگی ذاتی و ثابت آن نمی‌دانند و آن را به ساخت‌هایی وابسته می‌دانند که واژه در آن‌ها به‌کار می‌رود. پسوند «ی» در شکل‌گیری ساختارهای ساختواژی ناپایگانی (هم‌زمانی) نیز نقش مهمی دارد و همان‌گونه که بامشادی و انصاریان (۱۳۹۴) نشان داده‌اند در بیشتر ساختارهای ناپایگانی فارسی، پسوند «ی» را می‌توان دید. این پژوهشگران ساختارهای ناپایگانی فارسی را به ۱۰ دسته تقسیم کرده‌اند که در ۹ مورد آن پسوند «ی» کاربرد دارد. بر پایه آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که پسوند «ی» پرکاربردترین و زیاترین‌وند در زبان فارسی است.

۶. نتیجه‌گیری

طرح‌واره‌های ساختواژی رابطه‌ی سامانمند میان صورت و معنا در واژه‌های پیچیده را نشان می‌دهند؛ از این رو، طرح‌واره‌ها برانگیزاننده‌ی مجموعه‌هایی از واژه‌های پیچیده‌اند و میزان دلخواهی بودن پیوند میان صورت و معنا در این واژه‌ها را کاهش می‌دهند. این طرح‌واره‌ها شیوه‌ی ایجاد واژه‌های پیچیده‌ی جدید را نیز تعیین می‌کنند. همان‌گونه که بوی (۲۰۰۷) استدلال کرده است اگر الگوهای واژه‌سازی را طرح‌واره‌های ساختاری بدانیم که ویژگی‌های مشترک مجموعه‌ای از واژه‌های پیچیده را در خود دارند، آنگاه توانایی تبیین پدیده‌ی چندمعنایی را به دست خواهیم آورد که در الگوهای ساختواژی زبان‌های گوناگون به فراوانی یافت می‌شود. ایده‌ی واژگان پایگانی و زیرطرح‌واره‌ها در این زمینه بسیار کارساز و راهگشاست.

در بررسی پسوند «ی» فارسی دریافتیم که به کمک طرح‌واره‌های ساختاری می‌توان پیوند میان معناهای گوناگون یک عنصر اشتقاقی را به خوبی نشان داد و دیدیم که با گونه‌ای از چندمعنایی روبه‌رو هستیم که نه در سطح واژه‌های عینی، بلکه در سطح طرح‌واره‌های ساختاری انتزاعی قابل تبیین است و چندمعنایی ساختاری نامیده می‌شود. به سخن دیگر، نظریه‌ی ساختواژی ساختاری ما را به برداشت و مفهوم تازه‌ای از چندمعنایی می‌رساند که همانا چندمعنایی پایگانی (سلسله‌مراتبی) در سطح ساخت‌های انتزاعی زبان است، نکته‌ای که در دیگر نظریه‌های ساختواژی تاکنون مطرح نشده است.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. lexeme
2. word form
3. Construction Morphology (CM)
4. construction
5. Berkeley Construction Grammar (BCG)
6. Cognitive Construction Grammar (CCG)
7. Radical Construction Grammar (RCG)
8. Construction Morphology
9. morphosyntactic
10. morphological construction
11. constructional schema
12. slot
13. instantiation

14. construct
15. motivation
16. subschema
17. hierarchical lexicon

۱۸. در این‌گونه واژه‌ها، که نمونه‌هایی از ساختارهای ناپایگانی هستند، آمیزه‌ای از یک اسم جایگاه‌نما (Locative Noun = LN) و یک اسم دیگر را به همراه پسوند «ی» می‌بینیم. برای بحث در باب ساختارهای ناپایگانی فارسی در نظریه ساختواژه ساختی بنگرید به بامشادی و انصاریان (۱۳۹۴) و برای بحث درباره اسم‌های جایگاه‌نما و تفاوت‌های آن‌ها با حروف اضافه بنگرید به بامشادی و انصاریان (۱۳۹۳).

۱۹. نماد Num در طرح‌واره بالا نمایانگر مقوله عدد (Number) است.

۲۰. نماد Inf که مقوله متغیر X را در این طرح‌واره نشان می‌دهد به معنای مصدر (infinitive) است.

21. schematicity/specificity

۸. منابع

- ابن‌الرسول، محمدرضا و محمد رحیمی خویگانی (۱۳۹۳). «انواع «ی» در زبان فارسی امروز». *فنون ادبی*. س ۶. ش ۲ (پیاپی ۱۱). صص ۴۹-۵۸.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
- بامشادی، پارسا و شادی انصاریان (۱۳۹۳). «حرف اضافه یا اسم جایگاه‌نما». *مجموعه مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۲۴۹-۲۶۴.
- ----- (۱۳۹۴). «تبیین ساختارهای ناپایگانی زبان فارسی در چهارچوب نظریه ساختواژه ساخت‌محور». *مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان*. تهران: دانشگاه تهران.
- ----- (۱۳۹۵). «رویکرد ساخت‌بنیاد به صرف و کاربرد آن در آموزش واژه‌های مشتق و مرکب فارسی برای فارسی‌آموزان». *مجموعه مقالات نخستین همایش واکاوی منابع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. تهران: نشر خاموش. ج ۲. صص ۹۹۹-۱۰۲۰.

- توکلی، نسترن و سیامک صاحبی (۱۳۸۹). «پسونددی»: پیشینه و کاربردهای آن. *زبان-شناسی و گویش‌های خراسان*. ش ۲. صص ۱۰۵-۱۲۰.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۰). «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۲)». *نشر دانش*. ش ۶۵. صص ۶-۱۲.
- ----- (الف) (۱۳۷۱). «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۷)». *نشر دانش*. ش ۷۲. صص ۱۹-۲۳.
- ----- (ب) (۱۳۷۱). «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۸)». *نشر دانش*. ش ۷۴. صص ۲۲-۲۹.
- ----- (الف) (۱۳۷۲). «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۹)». *نشر دانش*. ش ۷۵. صص ۹-۱۵.
- ----- (ب) (۱۳۷۲). «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۰)». *نشر دانش*. ش ۷۶. صص ۱۵-۲۳.
- ----- (ج) (۱۳۷۲). «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۲)». *نشر دانش*. ش ۷۹ و ۸۰. صص ۱۲-۱۵.
- عظیم‌دخت، زلیخا و عادل رفیعی (۱۳۹۵). «واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال از منظر صرف ساختی: مورد [X-یاب]». *مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی صرف*. صص ۱۴۳-۱۷۰.
- کلباسی، ایران (۱۳۹۱). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. چ ۵. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرادی، ابراهیم و غلامحسین کریمی‌دوستان (۱۳۸۷). «بررسی نقش معنایی پسوند «دی» در زبان فارسی». *پژوهش علوم انسانی*. س ۹. ش ۲۴. صص ۹۳-۱۱۴.
- نفری، محمدحسن (۱۳۹۴). «تحلیل ساختواژه‌های ممکن ناموجود و کاربرد آن در آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

References:

- Anvari, H. (2002). The Great Sokhan Dictionary. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Arcodia, G. F. (2014). "Diachrony and the polysemy of derivational affixes". In F. Rainer, F. Gardani, H. C. Luschützky & W. U. Dressler (eds.), *Morphology and Meaning*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins. Pp. 127-139.
- Azimdokht, Z. & A. Rafiei (2016), "Compound words ending in present stem based on Construction morphology: A case study of [x- yab] construction". In Sh. Modarres Khiyabani and F. Ghatre (eds.), *Proceedings of 5th National Conference on Morphology*. Pp. 143-170. Tehran: Neveeseh Parsi [In Persian].
- Bamshadi, P. & S. Ansarian (2015), "Explaining non-hierarchical morphological structures In Persian within the framework of construction morphology". *Proceedings of 3rd International Conference on Applied Research in Language Studies*. 28 January 2016, University of Tehran, Tehran. [In Persian].
- Bamshadi, P. & S. Ansarian (2015), "Preposition or locative noun?". *Proceedings of 9th Iranian Conference on Linguistics* (Vol. 2), 24-25 February 2015. Allameh Tabataba'i University. Tehran. Pp. 249-264 [In Persian].
- ----- (2016). "A construction-based approach to morphology and its applications to the teaching of Persian derivational and compound words". *Proceedings of First National Conference on Investigating TPSOL Textbooks* (Vol. 2), 19-20 October 2016, Shahid Beheshti University, Tehran. Pp. 999-1020. [In Persian].
- Booij, G. (2007). "Polysemy and construction morphology". In F. Moerdijk, A. van Santen & R. Tempelaars (eds). *Leven Met Woorden*. Leiden: Instituut voor Nederlandse Lexicologie. Pp 336-555.
- ----- (2010). *Construction Morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- ----- (2012). *The Grammar of Words: An Introduction to Morphology* (3rd ed.). Oxford: Oxford University Press.

- ----- (2013). "Morphology in construction grammar". In Thomas Hoffmann and Graeme Trousdale (eds), *The Oxford Handbook of Construction Grammar*. Oxford: oxford University Press. Pp. 255-274.
- ----- (2015). "Construction morphology". In Andrew Hippisley and Gregory T. Stump (eds), *The Cambridge Handbook of Morphology* (Chapter 17). Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W. (2001). *Radical Construction Grammar: Syntactic Theory in Typological Perspective*. Oxford: Oxford University Press.
- Ibno rasool, M. & M. Rahimi Khoigani (2015), "The kinds of Ya in today Persian language". *Fonoon-e Adabi*. 6(2).Pp. 49-58 [In Persian].
- Fillmore, Ch. J. & P. Kay (1993), "Construction grammar Coursebook." Ms. University of California at Berkeley Department of Linguistics.
- Fillmore, Ch. J. (1988). "The mechanisms of Construction Grammar". *BLS*, 14. Pp 35-55.
- Goldberg, A. (1995). *Constructions: A Construction Grammar Approach to Argument Structure*. Chicago: University of Chicago Press.
- Kalbassi, I. (2012). *The Derivational Structure of Word in Modern Persian* (fifth ed.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Moradi, E. & Gh. Karimi-Doostan (2011). "The Study of semantic contribution of -i Suffix in Persian". *Comparative Linguistic Research*. 1(1).Pp. 93-114 [In Persian].
- Nafari, M.H. (2015). *The Analysis of Non-existent Possible Words and Its Application in Teaching of Persian Language to Non-Persian Speakers*. M.A. Thesis in Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran. [In Persian].
- Sadeghi, A. (1991). "Ways of word formation in modern Persian language (2)". *Danesh*. 65.Pp.6-12. [In Persian].
- ----- (1992a). "Ways of word formation in modern Persian language (7)". *Danesh*. 72.Pp. 19-23. [In Persian].

- ----- (1992b). “Ways of word formation in modern Persian language (8)”.
Danesh. 74.Pp.22-29. [In Persian].
- ----- (1993a). “Ways of word formation in modern Persian language (9)”.
Danesh. 75.Pp. 9-15. [In Persian].
- ----- (1993b). “Ways of word formation in modern Persian language (10)”.
Danesh. 76.Pp. 15-23 .[In Persian].
- ----- (1993c). “Ways of word formation in modern Persian language (12)”.
Danesh. 79, 80.Pp.12-15 .[In Persian].
- Tavakoli, N. & S. Sahebi (2010), “The suffix of ‘-i-‘: Its history and applications”.
Linguistics and Khorasan Dielects. 2(2): 105-120 .[In Persian].

